

محترم نوجو صاحب سلام بر شما:

سروده شما در مورد آن (قوم پراگنده) واقعاً خیلی ها زیبا است. زیبایی آن تنها در کار برد استعارات، تشبیهات و کلمات موزون و مناسب نهفته نیست، بلکه در بیان و انعکاس واقعیت های تلخ (پراگندگی، بیگانه پروری و تندهی به ذلت و خواری) نهفته در میان آن قوم از یکطرف و اختصار کلام و پیام طویل و عریض که در ذهن دیگران جریان و غلیان میکرد، با بیان صریح و روشن در قالب نظم از طرف دیگر بر زیبایی آن بیشتر افزوده است.

واقعاً آن قوم پراگنده نه تنها در حق شما، بلکه در حق ایلچی بیک (حرکت)، شاهک (عصمتی)، محمدجان (پامیری)، عقلی ماه (پامیری) و دیگران و دیگران نیز جفا نموده و شما جفا دیده گان نیز بحق یکدیگر تان جفا نمودید.

همچنان بر عکس: من و تو، ما و شما، همه ما و دیگران نیز در حق این قوم جفا نمودیم و این قوم را پراگنده و یا پراگنده تر ساختیم، که ثمره آن چنین است. اما پیام شعر (قوم پراگنده) چیست یا کدام است؟ آیا نظاره و یاتماشای کرد تا ببینیم که فردا این قوم در حق کی باز جفا میکند و خود این قوم چگونه ذلت و جفا میخرند یا اینکه دست بدست هم (حرکت نو)، (جنبش نو) و جبهه نو به حرکت به اندازیم تا از پراگندگی این قوم بکاهیم. از فرموده شما (افشای حقایق همه را وضع دگر دگر ساخت)، گفته (حرکت) (از گذشت روزه گار باید درس ها آموخت) و از گفته دیگران (عرض ما و من چه باشد جز به روی هم زدن) چنین استنتاج میگردد که حقایق و درس های تازه آموختیم. من یقین دارم اگر شما و مثل شما این حرکت را آغاز نمائید تنها نخواهید ماند و نیروی عظیمی برای یکپارچگی آن قوم پراگنده خواهید شد. اینست یا این باید باشد پیام شعر (قوم پراگنده). در اختتام میخوام جمله را عا ریه بگیرم و بگویم که: صدای تو، صدای، اکثریت صدا هاست.

نیرو

نامه ای به محترم داکتر خوش نظر (پامیرزاد) محترم علیشاه (صبار) و محترم خیرمحمد (حیدری).

با عرض احترام و ادب به شما بزرگواران. کار پرزحمت و با مشقت شما را در عرصه ادامه تدوین و ترتیب رسمی الفبای زبان یا لهجه شغنانی در خورتقدیر و تحسین دانسته به نسبت موفقیت های بدست آمده، شما را تبریک و تهنیت گفته و برای پیروزی های بیشتر شما دعا مینماییم، شما با این کار و زحمات خود تهاداب چنان بنای را خواهید گذاشت که کاخ ها بر بنیاد آن در آینده ها اعمار خواهند شد. میدانیم این کار شما نه صرفاً از روی اجرای وظیفه بوده بلکه با درک و احساس مسؤلیت در قبال فرهنگ مردم شغنان صورت گرفته است و همواره بخاطر تکمیل و غناسازی آن جدو جهد مینمایید. بیاد داریم که قبل از برسمیت شناخته شدن زبان های پامیری و آغاز کار رسمی تدوین و ترتیب الفبای زبان شغنانی در چوکات ادارات دولتی، شما و دیگر دوستان، نوع الفبای شغنانی را نزد خود پذیرفته اشعار و اثرها افریده اید که بطور مثال الفبا و اشعار مذهب شاه (ظهوری)، اشعار عبدالکریم (نوجو)، معظم شاه (روستاپور)، منور بیگ (روشن) و لغت نامه محمدناصر را یاد آور شد، اما شخصاً نمیدانم که آغازگر این امر بزرگ کی بوده و الفبای ترتیب نموده کدام شخص بیشتر جوابده و قرین به حقیقت بوده است؟ تدقیق و نقد در این مورد را به صلاحیت داران عرصه زبان و ادبیات واگذار میثویم و امیدوارم این نامه انگیزه برای تحقیق این امر گردد. اما جای دارد به همه ای آغازگران، ادامه دهنده گان و تکمیل کننده گان دوستان شغنانی و غیر شغنانی که در عرصه زبان و ادبیات و فرهنگ مردم شغنان تحقیقات انجام و آثار انتشار داده اند سپاس وارج و حرمت گذاریم.

باید اعتراف کرد که ترتیب و تدوین الفبا، قاعده یا دستور گرامری و لغت نامه ای یک زبان سهل و کار یک یا چند نفر آنهم در یک مدت کوتاه نبوده، بلکه کار افراد و حتی نسل ها و پیروسه طولانی است تا تکمیل و غنی گردد این امر در مورد زبان و ادبیات شغنان دشوارتر است زیرا:

1- چون زبان یا لهجه شغنانی جزء از خانواده زبان های پامیری است و شاید الفبای زبان شغنانی خمیرمایه برای سایر زبان های پامیری گردد، بناً توجه به ملحوظات آنها نیز ضرور است.

2- سیاست استعماری وقت سبب جدایی جبری و تحمیلی شغنانی ها و حتی سایر پامیری ها گردید که با وجود جغرافیای سیاسی جداگانه، جغرافیای فرهنگی مشترک وجود دارد لازم است از تجارب آنها نیز بهره برداری کرد. بناً توفیق به چنین کار بس بزرگ ایجاب تدویرو برگزاری کنفرانس ها، مباحثات و جمع آوری نقطه نظرها را مینماید، که ممکن است چنین قدم های برداشته شده باشد، اما به نسبت نداشتن وسیله ارتباط همگانی مشخص و معین مانند روزنامه، جریده و تلویزیون در ساحه محدود اجراء شده و همگان به آن دسترسی نیا فتند و این خلاء سبب گردیده که تفاوت های الفبایی و نوشتاری بین الفبای تدوین شده فعلی و قبلی بوجود بیاید. اکنون که سایت سیمای شغنان به ابتکار دوست محترم (سرور ارکان) شروع به نشرات نموده است، فعلاً این وسیله خوبی برای انعکاس معلومات، تبادل تجارب و جمع آوری نظریات است.

بناً حاصل آنچه عرض شد اینست که : اگر دروازه های پیشنهادات و نظریات مثبت در مورد الفبا، گرامر و لغت نامه زبان شغنانی بسته نشده باشد و قاعده تکامل در مورد آن هم صدق کند؟ خواهش میشود تا الفبای تدوین و ترتیب شده و دیگر مواد مربوط به آن به آدرس سیمای شغنان ارسال تا نشر گردد. این امر از یکطرف سبب معلومات به علاقه مندان و از جانب دیگر زمینه انعکاس پیشنهادات و نظریات دیگران خواهد شد.

میدانیم که دسترسی به کمپیوتر و انترنیت و امکانات تایپ الفبای شغنانی حتی فارسی برای همه وجود ندارد اما کسانی که این امکانات را دارند از نور و روشناهی این دریچه (سیمای شغنان) تا حد امکان استفاده نموده در پرتو روشناهی آن یکدیگر خود را بیافیم ، گمشده های مشترک خود را جستجوی نماییم و داشته های خود را در میان بگذاریم.

نیرو